

ارزیابی پیامدهای اجتماعی برنامه‌های پیش‌گیری از جرم در فضاهای عمومی شهری

(نمونه موردی: پدیده اراذل و اوباش)^۱

سهاملا صادقی فساپی،^{*} صالح الدین قادری^{**}

چکیده

سیاست‌ها و برنامه‌های پیش‌گیری از جرم در فضاهای عمومی شهری به منظور جلوگیری از وقوع جرم یا کاهش میزان جرم و درجه ارتقای امنیت عمومی و اجتماعی شهر و ندان به اجرا گذاشته می‌شوند. در فرایند پیش‌گیری از جرم ممکن است متغیرها یا پدیده‌های بروز کند که ناخواسته و ناهمانگ و در مواردی در تضاد با اهداف مورد انتظار سیاست یا برنامه باشد. با توجه به این امر، صاحب‌نظران حوزه پیش‌گیری در تعریف برنامه یا سیاست پیش‌گیری بر پیامدها و دست‌آوردهای آن تأکید دارند نه بر اهداف آن.

روشن جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در این مقاله کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای و انجام مصاحبه‌های عمیق با کارشناسان اجتماعی و مردم در فضاهای عمومی شهری است. بر اساس یافته‌های این مقاله مهم‌ترین مسئله برنامه‌های انتظامی و پلیسی در مبارزه با پدیده اراذل و اوباش و پیش‌گیری از آن ضربتی و موقعی بودن طرح‌های پلیسی است و مهم‌ترین پیامدهای آن نیز هویت‌یابی، سازمان‌یافتنگی و ایجاد زمینه برای شکل‌گیری جرائم در سطح گسترده‌تر و آسیب‌رسان‌تر است.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی پیامدها، پیش‌گیری از جرم، فضاهای عمومی شهری، پدیده اراذل و اوباش.

¹ این مقاله از پایان‌نامه دکتری با عنوان «بررسی پیامدها و نتایج برنامه‌های پیش‌گیری از جرم در فضاهای عمومی با تأکید بر طرح ارتقای امنیت اجتماعی» اخذ شده است که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

* دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران s_sadeghi@yahoo.com

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد salahaldin_gh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۶

مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، صص ۹۳-۱۱۸

مقدمه

استراتژی‌ها و برنامه‌های عملیاتی پیش‌گیری از جرم نه تنها از جرم و بزهديدگی پیش‌گیری می‌کنند، بلکه در سطح خرد امنیت و احساس امنیت عمومی و اجتماعی شهروندان را افزایش می‌دهند و منجر به ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها می‌شوند. در سطح کلان نیز منجر به تقویت انسجام اجتماعی و نظم عمومی و کمک به توسعه پایدار کشورها خواهد شد. احساس امنیت در فضای عمومی شهری در ارتقای الگوی فعالیت‌های اجتماعی مؤثر است و مشارکت بهتر را در صحنه اجتماعی به وجود می‌آورد. علاوه بر این، پیش‌گیری در درازمدت منجر به کاهش هزینه‌های سیستم رسمی عدالت کیفری و سایر هزینه‌های ناشی از جرم می‌شود و فرصت‌هایی برای اعمال رویکردهای بشردوستانه و کم‌هزینه در زمینه جرم به وجود می‌آورد.

پدیده اذیت و آزار، اخاذی، ایجاد مراحمت و ایجاد ترس در شهروندان در فضاهای عمومی از نمونه‌های بارز جرم و کجروی است. برچسبی که به مجرمان این پدیده در مواردی الصاق می‌شود «اراذل و اوپاش» است. در قوانین کیفری ایران از مجرمی به نام «اراذل و اوپاش» نام برده نشده است. این مفهوم در حوزه عمومی بیشتر برای کسانی به کار می‌رود که دارای جرایمی مانند اخاذی، ایجاد مراحمت و عربده‌کشی و... در سابقه خود هستند. استفاده از این مفهوم در این مقاله به منزله مشروعیت دادن به این مفهوم از سوی نگارنده‌گان مقاله نیست. استفاده از آن به منظور تبیین مجموعه اقداماتی است که در طرح ارتقای امنیت اجتماعی ذیل این برچسب صورت گرفت.

برای تعریف و مشخص کردن شاخص‌های اراذل و اوپاش بودن اختلاف نظر زیاد است. اما شاید مفهوم «مهاجمان فضا یا محله»^۱ مفهوم مناسبی برای توصیف پدیده اراذل و اوپاش باشد. این اصطلاح از سال‌های ۱۹۹۰ رایج شد و عمدتاً به افراد جوانی اطلاق می‌شد که در جهانی از ناهنجاری و هیجانات گم شده‌اند، پرسه‌زنی و علافی، هجوم به فضای دارندگان قدرت، درگیری خیابانی، ضرب و شتم، جایه‌جایی مواد مخدر، بی‌پرواپی و جسارت و ماجراجویی بی‌نتیجه و پرسه‌زنی و بیکاری از ویژگی‌های این گروه است. این افراد محله‌ها و خیابان‌های خاصی را قلمرو و حوزه در اختیار خود تعریف می‌کنند و از آنجا به عنوان مکانی برای تضادها و دوستی‌ها بهره می‌جوینند.

^۱ Space invaders

طرح مسئله

اگرچه هر مداخله اجتماعی دارای مقاصد مشخص و معینی است، می‌تواند در برگیرنده نتایج ناخواسته‌ای هم باشد و ممکن است مقاصدی که برای رسیدن به آن‌ها فعالیت می‌کیم با نتایجی که به بار می‌آید خیلی متفاوت باشد. در مواردی ممکن است نتایج ناخواسته به طور کامل مقاصد از پیش تعیین شده را کم رنگ کند و تحت تأثیر قرار دهد. پیش‌گیری از جرم با توجه به اهمیت و ضرورتی که در مقدمه به آن اشاره شد، امروزه بهشدت در اولویت نهادهای امنیتی و حمایتی قرار گرفته است. اما آن‌چه کمتر به آن توجه شده است، نتایج ناخواسته برنامه‌های پیش‌گیری از جرم در حوزه اجتماعی است. در واقع می‌توان گفت پیش‌گیری از جرم به وسیله اهداف آن تعریف نمی‌شود بلکه به وسیله پیامدهای آن است که تعریف می‌شود. این پیامدها می‌توانند دست کم به دو طریق ارزیابی شود. ۱. تعداد رخدادهای مجرمانه. ۲. تعداد مختلفان (هیرشی،^۱ ۱۹۸۹). بعضی هم این پیامدها را براساس میزان صدمات پیش‌گیری شده (ریس و روس،^۲ ۱۹۹۳: ۵۹-۶۱) یا از طریق تعداد قربانیان صدمه‌دیده یا صدمات تکرارشده ارزیابی می‌کنند (شمن^۳ و همکاران، ۲۰۰۶: ۴).

بنابراین، امروزه ارزیابی پیامدها به عنوان حوزه‌ای تخصصی در بسیاری از حوزه‌های مداخله اجتماعی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. مقاله حاضر بر مبنای حوزه «ارزیابی پیامدها» به طور عام و «ارزیابی پیامدهای اجتماعی» به طور خاص درصد بررسی پیامدهای ناخواسته و منفی برنامه‌های پلیسی و انتظامی صرف در پیش‌گیری از پدیده اراذل و اویاش است.

بکر (یکی از صاحب‌نظران ارزیابی پیامدهای اجتماعی در انجمن بین‌المللی ارزیابی پیامدهای اجتماعی)، ارزیابی پیامدهای اجتماعی را فرایند شناسایی پیامدهای آتی یک عمل در دست انجام یا پیشنهادی که به افراد، سازمان‌ها و سیستم‌های کلان مربوط می‌شود تعریف می‌کند (بکر و ونکلی، ۱۳۸۸: ۱۱).

¹ Hirschi

² Reiss & Roth

³ Sherman

ونکلی، که خود یکی از صاحب نظران اصلی ارزیابی پیامدهای اجتماعی در انجمن بین‌المللی ارزیابی پیامد است، در تعریف ارزیابی پیامدها می‌گوید: «ارزیابی پیامدهای اجتماعی فرآیند تحلیل (پیش‌بینی، برآورد و بازاندیشی) و مدیریت پیامدهای خواسته و ناخواسته (مثبت و منفی) مداخلات برنامه‌ریزی شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) برای محیط انسانی و هرگونه فرآیند تغییر اجتماعی ناشی از این مداخلات است، به نحوی که محیط انسانی و زیستی - فیزیکی پایدارتر و عادلانه‌تری پیدید آورد (ونکلی، ۲۰۰۳: ۶).

توجه به پیامدها و مخصوصاً پیامدهای اجتماعی در حوزه پیش‌گیری از جرم مسئله مهمی است که در طول سه دهه اخیر با روند رو به رشدی مواجه بوده است.

شاید بتوان ارزیابی مداخله‌های پیش‌گیرانه را به دو حوزه تقسیم کرد: ارزیابی علمی و ارزیابی عمل گرایانه. در رویکرد اول، برنامه‌های پیش‌گیری با تکیه بر نظریه‌های جرم‌شناسی به گونه‌ای طراحی می‌شوند تا عوامل خطر را کنترل کنند یا از بین ببرند. ارزیابی این رویکرد پیش‌گیری غالب بر مبنای سنجش میزان تأثیرگذاری برنامه‌های پیش‌گیری بر این عوامل انجام می‌شود. در مقابل، در رویکرد دوم، مبنای نظری مداخله‌های پیش‌گیری چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و ارزیابی‌های انجام‌شده مبتنی بر شاخص‌های تجربی نیست. در این رویکرد پیش‌گیری از جرم و ارزیابی نتایج آن بیشتر موضوعی سیاسی تلقی می‌شود تا مسئله‌ای فنی و کارشناسی. پاسخ‌های مقطعي، فوری و مبتنی بر ملاحظه‌های سیاسی به جرم معمولاً فاقد شاخص‌های عینی سنجش‌پذیر است. این امر موجب شده تا شواهد و دلایل تجربی کافی در مورد نتایج واقعی این نوع مداخله‌ها در دسترس نباشد. با این حال، پژوهش‌های محدودی که در این زمینه انجام شده نشان می‌دهد مداخله‌های ناسنجیده و فاقد مبنای نظری، پیامدهای زیان‌باری چون تشديد وضعیت ب Zhengkari، به هدر رفتن انرژی و توان محدود نهادهای مسئول پیش‌گیری از جرم، انحراف سیاست‌های کنترل جرم، ارزیابی ناپذیری مداخله‌های پیش‌گیرانه و نیز ارائه آمارهای اغراق‌آمیز از نتایج طرح‌ها و برنامه‌های پیش‌گیری را به دنبال داشته است (فرجیها، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

در مقاله حاضر سعی می‌شود با بررسی دیدگاه دو گروه از افراد، پیامدهای برنامه‌های بعضاً پلیسی را که در سال‌های اخیر در ایران اجرا شده است بررسی کنیم. به منظور مشخص بودن نوع برنامه‌پلیسی طرح ارتقای امنیت اجتماعی در بخش اراذل و اوپاش برای نمونه

موردی بررسی می‌شود و پیامدهای مثبت و منفی آن از نظر کارشناسان و مردم اعلام خواهد شد.

طرح ارتقای امنیت اجتماعی، در ادامه طرح‌های قبلی پلیسی به شکل کیفری انتظامی در قالب گشت‌های ارشاد، اما در سطح وسیع‌تر و با ظاهری متفاوت و تبلیغ اهداف کارآمدتر در کاهش جرم و پیش‌گیری از آن نسبت به سایر برنامه‌های قبلی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶ در سطح ملی به اجرا گذاشته شد. این طرح با شعار مبارزه با جرایم مخل نظم عمومی، نظیر برخورد با تحالفات ترافیکی، راکبان موتور، ایجاد کنندگان آلودگی‌های صوتی، تکدی و ولگردی، اخلال در نظم عمومی، عربده کشی و مزاحمت برای نوامیس، بدپوششی، بدآرایی، جمع‌آوری ازادل و اوپاش و معتمدان و... آغاز شد.

سؤال اساسی مقاله این است که اجرای برنامه‌های بعض‌پلیسی در پیش‌گیری از جرایمی مانند مزاحمت و ایجاد اذیت و آزار برای شهروندان و ایجاد ترس و سلب امنیت آن‌ها در فضاهای عمومی (اوپاشی‌گری) چه پیامدهای اجتماعی به دنبال دارد؟

روش مطالعه و نمونه‌گیری

روش این مقاله کیفی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای^۱ است و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق است. جمعیت مورد مطالعه متخصصان، محققان و کارشناسان حوزه پیش‌گیری از جرم در چهار رشته علمی، جامعه‌شناسی، علوم انتظامی، جرم‌شناسی و حقوق و مطلعان ساکن فضاهای عمومی و محله‌هایی است که برخورد با پدیده ازادل و اوپاش در آنجا وجود داشته یا دارد. نمونه‌گیری مطالعه هدفمند و مبتنی بر اشباع نظری بوده است. در بخش کارشناسان موارد مصاحبه بر اساس تجارب پژوهشی و علمی و مسئولیت اداری و سازمانی فرد پاسخگو در مورد پیش‌گیری از جرم انتخاب شده‌اند و در بخش مطلعان هم افراد مطلع محلی مانند معتمدان محلی، اعضای شوراهای محله و افراد کلیدی در محله به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. گفتنی است داده‌های این تحقیق در بهار ۱۳۹۰ جمع‌آوری شده است و طرح ارتقای امنیت از سال ۱۳۸۶ شروع شده و هر از گاهی بخش‌هایی از آن مجدداً به اجرا گذاشته می‌شود.

¹ Grounded theory

محله فلاخ و میدان مقدم به عنوان فضای عمومی مصاحبه با مطلعان و افراد کلیدی انتخاب شد. دلیل این انتخاب انجام عملیات پلیسی در مبارزه با اراذل و اوپاش بود که در رسانه‌های عمومی (تابستان ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) انکاس یافته بود.

افرادی که به عنوان مجرم طرح اراذل و اوپاش مدنظر بودند می‌باشند به عنوان یک گروه مورد مصاحبه قرار می‌گرفتند، اما بدلیل عدم همکاری مسئولان برای مصاحبه با مجرمان این حوزه انجام مصاحبه با این گروه ممکن نشد و در محلات هم پس از بررسی و پیگیری امکان مصاحبه با غیر از یکی دو نفر فراهم نشد. به همین دلیل این گروه به‌طور کامل از حوزه مطالعه خارج شدند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه شیوه کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی به شیوه نظریه زمینه‌ای استفاده شده است و بعد از شناسایی مفاهیم اصلی و فرعی و دستیابی به مقولات اصلی و برقراری ارتباط میان آن‌ها، تحلیل‌ها در قالب مدلی فرضی ارائه شده است.

محور اصلی سوالات در مصاحبه با کارشناسان عبارت بود از سؤالاتی در مورد دیدگاه فرد مصاحبه‌شونده در مورد پیش‌گیری از جرم در ایران بعد از انقلاب، چالش‌ها و نقاط قوت اصلی آن. دیدگاه پاسخگو در مورد طرح ارتقای امنیت اجتماعی، چالش‌های اصلی این طرح و پیامدهای ناشی از آن و نقش طرح در افزایش احساس امنیت و تقویت آن در میان مردم نیز مطرح شده است.

محورهای اصلی سوالات عبارت بود از: میزان آگاهی مردم از اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در محل کسب و کار یا زندگی خود، دیدگاه آن‌ها در مورد تأثیرات این طرح بر کاهش جرم یا احساس امنیت و پیامدها و مشکلات اصلی اجرای طرح در محدوده‌ای که آن‌ها با جرم مواجهه داشته‌اند.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در طرح مسئله هم گفته شد، طرح ارتقای امنیت اجتماعی به عنوان نمونه موردی طرح‌های پلیسی صرف در پیش‌گیری و مبارزه با اراذل و اوپاش مورد توجه قرار گرفته است و پیامدهای آن از نظر مردم و کارشناسان بررسی می‌شود.

یافته‌ها در دو بخش ارائه می‌شود: در بخش اول، پیامدهای طرح از نظر کارشناسان و مردم واکاوی می‌شود و در بخش دوم، جمع‌بندی دیدگاه دو گروه در قالب کدگذاری محوری و گزینشی ارائه می‌شود.

مهم‌ترین پیامدهای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در مبارزه و پیش‌گیری از پدیده ازادل و اوباش از نظر کارشناسان عبارت‌اند از: پیامدهای منفی (طرد اجتماعی، هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی برای نظام عدالت کیفری، سازمان‌یافتنگی مجرمان و ترویج خشونت) و پیامدهای مثبت (ارتقای امنیت عینی و ذهنی بهخشی از مردم در فضاهای عمومی شهری).

طرد اجتماعی: یکی از پیامدهای مهم طرح ارتقای امنیت اجتماعی طرد گروه‌های هدف از فضای شهری به‌واسطه عمل قهری است. بیشتر طرح‌های پلیسی و کیفری با طرد اجتماعی گروه‌های خاصی همراه است و شیوه‌های طرد کننده جزء شیوه‌های اصلی برنامه‌های انتظامی و کیفری است. زیرا در این برنامه‌ها گروه‌هایی به عنوان هدف انتخاب می‌شوند و طرح در فضای عمومی در خصوص آن‌ها به اجرا گذاشته می‌شود.

معمولًاً ماهیت طرح‌های پلیسی و انتظامی برچسب‌زنانه است و با توجه به نوع برنامه و کیفیت اجراء، موجب شرم‌ساری و تحقیر افراد گروه هدف می‌شود. شرم‌ساری ناشی از الصاق برچسب مجرم به دوری و طرد منجر می‌شود و به همین سبب ادغام مجدد^۱ و جذب اجتماعی^۲ کمتر شکل می‌گیرد. عموماً در این نوع برنامه‌ها آن دسته از گروه‌های اجتماعی که فاقد حمایت رسمی هستند مورد هدف قرار می‌گیرند. به دلیل فقدان همین حمایت رسمی، این برنامه‌ها زمینه طرد اجتماعی این گروه‌ها را از فضاهای عمومی فراهم می‌کنند. از طرف دیگر، این طرد خود منجر به شکل‌گیری خردمندگان بزهکاری و مجرمانه می‌شود. یکی از کارشناسان حقوقی درباره ماهیت طرد کننده‌گی این گونه اقدامات چنین می‌گوید:

«به‌طور نظری چنین اتفاقی در مورد این شیوه‌های اجرا مورد انتظار است. حتی در قالب نظریه برچسب هم به آن پردازیم ... این شیوه اجرا تحقیر کننده و طرد کننده است. این نوع طرح‌ها ادغام کننده نیستند. اصولاً این شیوه اجرا جنبه اصلاحی و تربیتی ندارد».

¹ Reintegration

² Social inclusion

به سبب تبعات ناخوشنایندی که فرایندهای طردکننده به وجود می‌آورند، رویکرد جدید در جوامع بیش از عدالت کیفری به سوی عدالت ترمیمی است. در عدالت کیفری جامعه به مقابله با بزهکار و جرم می‌پردازد، در حالی که در عدالت ترمیمی جامعه، بزهکار و بزهديه سه ضلع مثلث تلاش برای ترمیم اختلال ایجاد شده در نظام اجتماعی را شکل می‌دهند (غلامی، ۱۳۸۵).

هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی طرح برای نظام عدالت کیفری

در بخش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی طرح می‌توان به سه مورد اشاره کرد که عبارت‌اند از:

۱. افزایش تعداد زندانیان: یکی از تبعات اجرای طرح‌های ضربتی مبتنی بر عدالت کیفری افزایش تعداد زندانی‌هاست و همان‌طور که می‌دانیم نگهداری زندانیان به لحاظ اقتصادی به شدت هزینه‌بر است. البته همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، محدودیت‌های موجود در نگهداری افراد باعث شده بسیاری از دستگیری شدگان بعد از مدت کوتاهی آزاد شوند. اما به هر حال اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی پای بسیاری را به زندان باز کرد. یک کارشناس حقوقی درباره این وضعیت می‌گوید:

«همه آن‌هایی که دستگیر شدند کسانی بودند که چندین پرونده داشتند. چرا این‌ها وقتی مشکل داشتند آزاد شدند؟ چرا به مرخصی رفتد؟ نظام کیفری ما در مورد اراذل و اویاش دچار بلاتکلیفی است. سیاست واحدی وجود ندارد. در دوران آقای شاهروдی اعتقاد به کاهش زندانیان وجود داشت و در دوره جدید اعتقاد به زندانی کردن بیشتر است و از ۱۵۰ هزار دوران آقای شاهرودی الان آمار زندانیان به ۲۲۰ هزار نفر رسیده است».

۲. کاهش مشروعیت پلیس و نظام عدالت کیفری: از آنجایی بسیاری از اراذل و اویاش افرادی دارای سابقه کیفری بودند و در طرح‌های ضربتی از نوع طرح ارتقای امنیت اجتماعی بعد از مدت کوتاهی به محله‌های خود بر می‌گشتند مردم محلی دیدگاه‌های منفی به عملکرد صحیح پلیس پیدا می‌کردند.

۳. شائبه قدرت‌نمایی: یکی از کارشناسان حقوقی قوه قضائیه در این مورد بیان کرده است:
«در مورد اراذل و اویاش بیشتر مانور تبلیغاتی می‌تواند باشد تا حتی مبارزه با جرم».

سازمان یافتنگی مجرمان و جرم

طرح ارتقای امنیت اجتماعی و امثال آن منجر به تغییر جرایم از حالت فردی به حالت سازمان یافته می‌شود. زیرا با تشکیل گروه، سرمایه‌های درون‌گروهی تقویت می‌شود. مجرمان هم مانند افراد عادی دست به حسابگری و مقایسه سود و زیان می‌زنند. در این فرآیند درمی‌یابند تا زمانی که به صورت واحدهای تک‌افتاده هستند نمی‌توانند از حق خود دفاع کنند، بنابراین اگر واحدها یکی و هماهنگ شوند می‌توانند از حق خود دفاع کنند. سازمان یافتنگی مجرمان منجر به سازمان یافتنگی جرم می‌شود. در این صورت، علاوه بر اینکه مجرمان اعمال مجرمانه قبلی خود را انجام می‌دهند به دلیل شکل گیری سرمایه درون‌گروهی به سوی جرایمی دیگر هم سوق داده می‌شوند. نمونه آن گرایش اراذل و اوپاش به خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، کالا و... است.

ترویج خشونت

در طرح‌های ضربتی مانند طرح ارتقای امنیت اجتماعی در خصوص اراذل و اوپاش برخوردهای بسیار خشنی با دستگیرشدگان انجام می‌شود. بسیاری بر این باورند که مجرم به هر حال از نظر دینی، انسانی و قانونی انسان است. انسانی است که خطای مرتكب شده و هیچ نوع برخورد غیرانسانی نباید با او صورت گیرد. معمولاً این طور گفته می‌شود که بروز خشونت در سطح جامعه از طرف هر کسی که باشد جامعه را خشن‌تر می‌سازد. یک جامعه‌شناس در این مورد معتقد است:

«روحیه ملاطفت را در جامعه از بین می‌برد. اینکه در انتظار عمومی جامعه شلاق می‌زنید، آفتابه به گردن می‌اندازید و اعدام می‌کنید باعث تنبیه دیگران نمی‌شود. باعث می‌شود دیگران هم جسارت پیدا کنند یک چنین اعمال خشونت‌آمیزی را در موقعیتی که قدرت در دست داشته باشند براز بدارند».

در واقع، پلیس برخورد قهری خود را در فضاهای عمومی به پشتونه قدرت قانونی انجام می‌دهد. بنابراین افراد دیگر هم یاد می‌گیرند به میزان قدرت خودشان در گروههای اجتماعی و موقعیت‌های اجتماعی‌شان از خود خشونت بروز دهند. همین مسئله باعث می‌شود تا بسیاری

مخالف رویه‌های خشونت‌آمیز پلیس در طرح‌های ضربتی باشدند. یک کارشناس حقوقی در این مورد می‌گوید:

«این برنامه مؤثر است اما موقعی است، بعداً با عکس العمل شدیدتر و جرایم بیشتر مواده هستیم، مواجهه پلیسی و سرکوب هیچ چیزی را تأمین نمی‌کند. چون خشونت، خشونت تولید می‌کند. اول باید زیرساخت‌ها درست شود. پلیس باید آموزش دیده باشد. [و گرنه با اجرای چنین طرح‌های] حقوق شهروندی [مسلم مردم] جرم تلقی می‌شود».

ارتقای احساس امنیت مردم

یکی از پیامدهای ذهنی ایجادشده کاهش هراس مردم به‌واسطه اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در مورد اراذل و اوپاش است. صرف نظر از میزان تأثیر طرح بر کاهش واقعی میزان جرم، معیارهای ذهنی نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. امروزه در حوزه پیش‌گیری، یکی از نکات اساسی این است که اگر برنامه‌ای میزان واقعی جرم را کاهش نداده باشد ولی احساس کاهش جرم را در جامعه به وجود آورده باشد، خود موقیت محسوب می‌شود. بنابراین ملاک‌های ارزیابی برنامه پیش‌گیری دیگر صرفاً متکی بر کاهش یافتن آمار جرم نیست، بلکه اگر برنامه بتواند احساس امنیت را به وجود آورد می‌توان گفت مؤثر عمل کرده است. یک جرم‌شناس درباره تأثیر ذهنی طرح ارتقای امنیت می‌گوید:

«تحقیقات نشان داده است که گشت‌های پلیس منجر به کاهش آمار واقعی جرم نمی‌شود، بلکه باعث جایه‌جایی جرم می‌شود. منتهی از نظرسنجی‌هایی که انجام گرفته است مشخص شده است که ترس از جرم کاهش یافته است. بنابراین این خodus هدف است. درست است که آمار جرم کاهش پیدا نکرده است، اما مردم با دیدن پلیس احساس امنیت می‌کنند».

به اعتقاد برخی کارشناسان شکسته شدن هیمنه این افراد به‌واسطه اقدامات تحقیرکننده باعث شد تا مردم دیگر احساس ترس نداشته باشند. یکی از کارشناسان نیروی انتظامی در این مورد می‌گوید:

«طرح ارتقای امنیت اجتماعی زمانی اجرا شد که در حوزه اراذل و اوپاش کسی جرئت نمی‌کرد شکایت کند. این طرح باعث شد افراد جرئت پیدا کنند. بعد از آن براساس

گزارش‌هایی که رسید مشخص شد مردم جرئت پیدا کرده‌اند... اما متأسفانه ما هنوز فاصله زیادی با وضعیتی داریم که افراد در امنیت کامل به فضاهای عمومی مراجعه کنند».

جدول ۱. کدهای باز مربوط به پیامدهای مبارزه با ازادل و اوپاش در طرح ارتقای امنیت اجتماعی

ردیف	توضیح	مفهوم یا مفهوم تئوریک	نوع پیامد
۱	افزایش تعداد زندانیان و تبعات ناشی از آن	هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی نظام عدالت کیفری	منفی
۲	ایجاد نگرش منفی به پلیس		
۳	زوال سرمایه اجتماعی پلیس		
۴	از بین رفتن مشروعیت پلیس و حکومت		
۵	ایجاد شائبه که پلیس به دنبال قدرت نمایی است نه مبارزه با جرم		
۶	بازگشت مجدد دستگیرشدگان به محل زندگی به علت خلاهای قانونی	نهادینه‌شدن خشونت	منفی
۷	ترویج خشونت در جامعه		
۸	جسارت یافتن افراد در مواجهه با پلیس و حکومت		
۹	طرد گروههای حاشیه‌ای از اماکن عمومی	طرد اجتماعی	منفی
۱۰	هویت‌یابی مجرمان و سازمان یافته‌شدن جرائم	سازمان یافته‌شدن مجرمان و جرم	منفی
	کاهش ترس مردم از ازادل و اوپاش	ارتقای احساس امنیت	ثبت

پیامدهای مبارزه با ازادل و اوپاش از دیدگاه مردم در طرح ارتقای امنیت اجتماعی

پیامدهای طرح از دیدگاه مردم

شیوه برخورد پلیس با ازادل و اوپاش دستگیرشده از جمله موضوعاتی بود که در اجرای این طرح بسیار مورد توجه قرار گرفت و موافقت‌ها و مخالفت‌هایی را به دنبال داشت. در موارد زیادی افراد دستگیرشده به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و سپس در محل چرخانده می‌شدند. بعضاً این کار با اندختن آفتابه دور گردن یا سوار الاغ کردن آن‌ها انجام می‌شد. هدف از این کار بردن آبرو و شکستن اعتبار آن‌ها در محله عنوان می‌شد. اما سؤال اصلی در

اینجا این است که این شیوه برخورد ضربتی و خشن تا چه اندازه توانسته است پیامدهای مثبت و منفی در مورد امنیت را با خود ارungan بیاورد.

در پاسخ به این سؤال در میان اهالی اختلاف نظر وجود دارد. در حالی که برخی از کاهش قابل توجه شرارت در محله خبر می‌دهند، گروهی وضعیت کنونی را بدتر از سابق می‌دانند. بنابراین، می‌توان دیدگاه مردم را به دو دسته موافقان و مخالفان طرح تقسیم کرد.

موافقان شیوه‌های اعمال شده در طرح ارتقای امنیت در مبارزه با ارادل و اوپاش دیدگاه موافقان طرح تحت عنوان پیامدهای مثبت ذکر می‌شود. مهم‌ترین پیامد مثبت این طرح ارتقای احساس امنیت عینی و ذهنی مردم در فضاهای عمومی شهری است.

ارتقای احساس امنیت عینی و ذهنی مردم در فضاهای عمومی شهری: یکی از کسبه منطقه در مورد فعالیت رئیس کلانتری سابق محدوده در مبارزه با ارادل و اوپاش می‌گوید: «جناب سرهنگ... ارادل و اوپاش را می‌گرفت و می‌چرخاند و بعد خوار و ذلیل می‌کرد. آقتابه می‌انداخت توی گردنشان و توی ۲۰ متری فلاخ می‌گرداند یا توی محله‌ای که زندگی می‌کردند می‌چرخاند یا کسانی که زورگیری می‌کردند شلاق می‌زد. کسانی که این برخوردها باهشان صورت می‌گرفت یک سری از این محل رفتند ولی بعضی هنوز هستند ولی به کسی کاری ندارند. با این طرحی که گذاشتند که مردم زنگ بزنند و با ارادل برخورد می‌شود خیلی آرام شدند».

همان‌طور که مشاهده می‌شود، این شهروند از موقفيت طرح و آرام شدن افراد شرور پس از برخورد پلیس خبر می‌دهد. همین فرد در ادامه می‌گويد که با انجام طرح ۶۰ تا ۷۰ درصد از ارادل کم شده‌اند و بقیه هم دیگر جرئت شرارت ندارند. یکی دیگر از پاسخگویان هم که مردی ۴۱ ساله و ساکن محل است از موقفيت زیاد طرح صحبت می‌کند. وی مانند بسیاری دیگر از عملکرد رئیس کلانتری^۱ وقت صحبت می‌کند و می‌گوید:

«قبل از حضور سرهنگ... اینجا خیلی اوضاع بدی داشت و عربده کشی داشتیم. ولی بعد از آقای... منطقه خیلی جمع شد... بعد از آقای... هم با طرح امنیت مبارزه با ارادل و اوپاش خیلی بهتر شد، چون وقتی زنگ می‌زدیم می‌آمدند و جمع می‌کردند. ۷۰-۸۰ درصد بهتر شده».

^۱ به منظور حفظ بی‌طرفی در پژوهش از آوردن نام افراد خودداری شد.

به اعتقاد این دسته از مردم، برخورد علنی با اراذل و اوپاش و تحقیر آن‌ها در محله باعث شد تا ترس مردم از آن‌ها کم شود. گزارش مردم به پلیس در این مورد با پیگیری سریع مأموران نیروی انتظامی همراه بوده و همین باعث کاهش میزان جرم و شرارت در منطقه شده است. در واقع بسیاری از افراد، صرف نظر از اینکه طرح ارتقای امنیت اجتماعی را موفق یا ناموفق بدانند، با نوع برخورد پلیس با آن‌ها موافق‌اند.

یکی دیگر از مواردی که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره می‌کنند این است که بسیاری از افراد شرور پس از تحقیرشدن در محل منطقه را ترک کرده و دیگر ساکن محله نیستند. این مسئله شاید مهم‌ترین پیامد تحقیر اراذل پس از دستگیری باشد. موضوعی که مهم‌ترین خواسته مردم در این منطقه برای افزایش امنیت به شمار می‌آید.

مخالفان موفقیت طرح ارتقای امنیت اجتماعی در مقابله با اراذل و اوپاش همه ساکنان مانند افراد بالا فکر نمی‌کردند. در واقع از نظر بسیاری از مردم طرح ارتقای امنیت اجتماعی نتوانسته است با خود امنیت دائمی به همراه بیاورد. از نظر آن‌ها این طرح و شیوه اجرای آن پیامدهای منفی زیر را به دنبال داشته است:

ایجاد هراس عمومی: اعمال شیوه‌های ضربتی (اعزام نیروی زیادی در یک مدت زمان کوتاه همراه با قاطعیت تمام و اعمال خشونت) در ساکنان محلی و افراد حاضر در فضاهای عمومی نوعی دلهره و ترس را به دنبال دارد و در فرایند تعقیب مجرمان ممکن است مزاحمت‌هایی برای افراد محلی به وجود آید. علاوه بر این، از آنجایی که شاکیان خصوصی به‌طور خاص در مورد اراذل و اوپاش معمولاً وجود ندارد (به دلیل ترس یا مستندات کافی) این افراد بعد از مدت کوتاهی آزاد می‌شوند، آزادی این افراد در مدت کوتاهی پس از دستگیری نوعی دلهره و ترس را در مردم در فضاهای عمومی به وجود می‌آورد. ترس مردم ناشی از انتقام‌گیری و در مواردی ناشی از سلب اعتماد آن‌ها از نیروهای انتظامی است که به راحتی مجرمان را آزاد کرده‌اند. این آزادی از سوی نیروی انتظامی به دلیل تنگناهای قانونی و قضایی است، اما از آنجا که مردم از این تنگناها خبر ندارند خود مجرمان این‌طور تبلیغ می‌کنند که رشوه داده‌اند و آزاد شده‌اند، همین مسئله نوعی نامنی را در مردم تقویت می‌کند.

طرد خانواده‌ها و اطرافیان مجرمان از سوی مردم محلی و مسئله آبروی آن‌ها یکی دیگر از نمودهای هراس عمومی است. یکی از مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره می‌کند که در میان

خانواده افراد دستگیر شده، خانواده شهدا نیز وجود دارند. بنابراین باید به جای درنظر گرفتن فرد، خانواده وی نیز مورد نظر قرار گیرد. یکی از شهروندان در پاسخ به این سؤال که به نظر شما استفاده از شیوه های خشن و تحقیر کننده برای مقابله با افراد شرور ضروری است می گوید: «نه لزومی ندارد آن کارها صورت بگیرد، وقتی قوه قضائیه می گوید شما زنگ بزنید ما می بریم و رسیدگی می کنیم این خودش طرح خوبی هست.

بنابراین یکی از معایب این شیوه اجرای طرح، ایجاد رعب و وحشت در دل خود ساکنان محل است. به هر حال مشاهده تعداد زیادی مأمور پلیس که به یکباره به محله ای وارد می شوند برای خود ساکنان استرس آور خواهد بود».

ترس از قربانی شدن مجدد و مضاعف: بسیاری از افراد از ترس فاش شدن نامشان تمایلی برای تماس با پلیس نشان نمی دهند. همان طور که قبلاً هم اشاره شد، برخی دستگیر شدگان پس از آزادی به سراغ شاکیان می روند و آن ها را مورد آزار و اذیت قرار می دهند. بنابراین به نظر می رسد بسیاری به جای برخوردهای مقطوعی و خشن مقابله دامنه دار و قانونی را ترجیح می دهند.

گسترش و بزرگ شدن دایره جرم: عدم موقیت طرح و حضور اراذل و اویاش بعد از اجرای طرح حتی به شکلی بدتر یکی دیگر از پیامدهای اجرای طرح است. یکی از ساکنان محله معتقد است بگیر و بیندهای انجام شده در طرح ارتقای امنیت اجتماعی تأثیری نداشته است. وی در نقد اقدامات رئیس کلانتری محدوده می گوید:

«به نظر من کارهایی که می کرد اصلاً درست نبود... همین شغال‌ها [گروه معروف آشوبگران جنوب شهر] را آن موقع آمدند اینجا گردانید و لی الان آزاد هستند. خدا شاهد است محله را به بدیختی کشیدند. همین‌ها هر شب اینجا عربده کشی می کنند. خودشان می گویند ما را دیشب گرفتند پول چکاندیم دم دهنستان ما را آزاد کردند».

مسئله ای که این شهروند در مورد رشوه به پلیس مطرح می کند، شایه ای است که بسیاری دیگر از شهروندان نیز در آن سهیم اند. آزادی دستگیر شدگان بعد از چند روز و برگشتن آن ها به محل باعث شده بسیاری تصور کنند آن ها با توصل به شیوه های خاص مانند رشوه یا ارتباطات خانوادگی از چنگ قانون می گیرند و به محل بر می گردند. این بدینی را در اظهارات یکی از اعضای شورای ایاری محله می توان دید:

«مردم دیگر خسته شدند. مردم توی هر کوچه معضل دارند. طرح خوب است، ولی دیگر مردم خسته شده‌اند. از اینکه امروز می‌گیرند و فردا آزاد می‌کنند. این باعث می‌شود مردم بگویند که این‌ها حق حساب گرفتند و این‌ها از خودشان هستند. الان هم می‌گویند وقتی یک مأمور می‌آید، مردم می‌گویند آمده حق حساب بگیرد».

بنابراین از نظر مردم عدم برخورد قاطع با دستگیرشدگان که ناشی از موانع قانونی از سوی نیروهای انتظامی است باعث می‌شود در میان شهروندان به عملکرد پلیس و طرح ارتقای امنیت اجتماعی بدینی وجود داشته باشد.

برگشت مجرمان به محله اغلب با جری‌شدن بیشتر آن‌ها هم همراه است و همین باعث افزایش جسارت آن‌ها در تعرض به افراد محلی می‌شود. در واقع این دسته از مردم برخلاف موافقان موقفيت طرح معتقدند بازگشت مجدد این افراد پس از بازداشت به محله باعث و خیم تر Sheldon اوضاع نیز شده است.

در تبیین و تأیید این نتیجه می‌توان به دیدگاه بکر^۱ در مورد میزان تأثیر بر چسبزنی به مجرمان اشاره کرد. بکر معتقد است «کاربرد موقفيت آمیز بر چسبزنی غالباً بر این مطلب که افراد کجرو هستند صحّه می‌گذارد و باعث می‌شود که آن‌ها در زندگی انحرافی بمانند و قوی شوند». بکر از دو مدل مفهومی در بحث کجروی استفاده می‌کند ۱. انحراف به عنوان شکستن قانون ۲. انحراف به عنوان واکنش (بکر، ۱۹۶۳).

بر اساس دیدگاه مخالفان طرح و با توجه به مدل‌های مفهومی بکر می‌توان گفت گروه اراذل و اوپاشه قبل از دستگیری نوع انحراف و کجروی شان منطبق با مدل اول بکر، یعنی شکستن قانون، است. اما، پس از دستگیری و آزادشدن انحراف مجدد آن‌ها از نوع انحراف به عنوان واکنش است و این به مراتب از کجروی اولی خطرناک‌تر است، چون با انتقام‌جویی از محله همراه است.

سازمان‌یافتگی مجرمان: ایجاد همبستگی درونی و شکل‌گیری سرمایه درون‌گروهی در کنار هویت‌یابی و کسب شهرت در محل زندگی از جمله مصاديق بارز سازمان‌یافتگی مجرمان است.

¹ Becker

ایجاد همبستگی درونی میان افراد شرور به علت مقابله پلیس با آن‌هاست. نمونه‌ای که اکثر ساکنان میدان مقدم به آن استناد می‌کنند مراسم تشییع جنازه یکی از افراد دستگیرشده است که در زندان به قتل رسیده بود. افراد محلی شاهد بوده‌اند که بسیاری از تمام مناطق تهران برای این مراسم به محله آن‌ها آمده بودند. یکی از اهالی در مورد این مراسم می‌گوید:

برای ختم او به قدری لات آمده بود که من تا به این سن رسیدم و این همه تشییع جنازه رفتم چه برای شهدا رفتم این قدر آدم ندیدم. چهل تا حجله گذاشته بودند و از میدان مقدم برایش بنر گذاشته بودند. از این طرف بنرهای را پلیس جمع می‌کرد از آن طرف دوباره می‌گذاشتند.

استانی کو亨 در کتاب شیاطین مردمی و هراس اخلاقی^۱ اشاره می‌کند که چگونه پلیس، دادگاه، وسائل ارتباط جمعی و کارگزاران اخلاقی دو گروه کجره را خلق کردن: «مودها و راک‌ها».^۲ داستان به این صورت است که عده‌ای جوان در یک روز تعطیل در یکی از شهرهای جنوب انگلیس برای پرسه‌زنی به اغذيه‌فروشی و بار می‌روند، ولی چون صاحبان رستوران و بار از سرویس دادن به آن‌ها خودداری می‌کنند، آن‌ها نیز با موتور سواری سروصدای ایجاد می‌کنند و قضیه صرفاً در همین حد بوده است. ولی انعکاس آن در رسانه‌ها و پیگیری جدی پلیس باعث شکل‌گیری این گروه در قالب باند شد که تا به امروز هم حضور دارند و روزهای خاصی را در سطح شهر موتورسواری و سروصدای ایجاد می‌کنند و برای آن‌ها تصویری انحرافی از خود درست شده است (کو亨، ۱۹۸۰).

با توجه به این نمونه و دیدگاه مخالفان طرح ارتقای امنیت در بخش اراذل و اوپاش می‌توان گفت بزرگ‌نمایی کجره نشان می‌دهد که چگونه آژانس‌های کنترل نتایج ناخواسته‌ای را از قبیل سازمان‌یافتگی مجرمان و در مواردی ایجاد «طبقه کجره» به وجود می‌آورند. ویلکینز نتیجه ناخواسته بزرگ‌نمایی جرم توسط رسانه‌ها و آژانس‌های کنترل را («گسترش جرم»^۳ می‌داند (ویلکینز، ۱۹۶۴).

¹ Folk Devils and Moral Panic

² The Mods and the Rocks

³ Deviance amplification

بنابراین باید توجه داشت که نحوه اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در رسیدن آن به اهدافش بسیار اهمیت دارد. مسائلی که در بالا ذکر شد، محصول شیوه کنونی اجرا و از پیامدهای نامناسب و ناخواسته آن است که باید به آن توجه شود.

بگیر و بیندهای انجام‌شده باعث می‌شود افراد هویت پیدا کنند و بعضًا به آن افتخار کنند. نمونه جالبی از این مسئله را یکی از شهروندان این گونه تعریف می‌کند: یک ماه دو ماه طرف را می‌گرفتند بعد آزاد می‌شد، دوباره می‌آمد محل. یکی سر همین کوچه روبرو گرفته بودندش توی تلویزیون نشانش دادند روز بعد آمد سر کوچه گفت مردم پول می‌دهند می‌روند تلویزیون تبلیغ می‌کنند ما پول نداده روپیم تلویزیون و تبلیغ شدیم. همان آفتابه به گردن می‌رفت تو تلویزیون نشانش می‌دادند. این می‌آمد داخل محل سینه سپر می‌کرد راه می‌رفت می‌گفت تلویزیون نشانمان داد تبلیغمان کرد آمدیم بیرون تمام شد.

این مطلب نشان می‌دهد شیوه‌هایی که برای شرمساری این نوع آدمها در پیش گرفته بود نه تنها منجر به شرمساری نمی‌شد بلکه منجر به این می‌شد که هویت پیدا کنند و جایگاهی در این حوزه پیدا کنند. در واقع برای بسیاری از این افراد کسب هویت و شهرت از راه درگیرشدن با گروههای رقیب و ایجاد رعب و وحشت به دست می‌آید. داستان‌های مربوط به درگیری این گروه‌ها در این محله‌ها دهان به دهان می‌چرخد و بعضًا از آن‌ها اسطوره‌سازی هم می‌شود. بنابراین یکی از نتایج اجرای این طرح از نظر برخی پاسخگویان این بوده است که افراد شرور و کمنام و نشان با دستگیرشدن در طرح معروف و مشهور شده‌اند. این افراد پس از بازگشت از زندان دارای هویت جدیدی هستند و خود را صاحب قدرت در محل جلوه می‌دهند. یکی از پاسخگویان در مورد اثر زندان بر شکل گیری هویت این افراد می‌گوید:

یک سری توی زندان بزرگ می‌شوند. وقتی بیرون می‌آیند گنده می‌شوند، همین مهدی سیاه [جوان ۲۵ ساله و گذۀ منطقۀ جنوب شهر] اسمی نداشت. رفت زندان وقتی آمد بیرون انگار که بادش داده باشند برای خودش یلی شده بود و زمانی که اینجا دعوا شد این روی شغال‌ها شمشیر کشید، گفتن مهدی سیاه بزرگ شده. وقتی توی زندان هم بود با شغال‌ها دعوا کرد و همین جوری خود زندان این‌ها را بزرگ و گنده کرد. ما آدمهایی داریم وقتی می‌روند زندان چیزها و کارهایی جدید یاد می‌گیرند.

جدول ۲. کدھای باز مربوط به پیامدهای طرح از نظر مردم در فضاهای عمومی

ردیف	کد باز	مفهومات و مقاهم تئوریک و جامعه‌شناسخی	نوع پیامد
۱	موفقیت نسبی در کاهش فعالیتهای شرورانه در اماکن عمومی	ارتقای امنیت عینی و ذهنی ساکنان محلی	مشبی
۲	کاهش ترس مردم از افراد شرور به واسطه نوع برخورد پلیس		
۳	کاهش نزاع‌های خیابانی، قمه‌کشی و چاقوکشی		
۴	ترک کردن محله از سوی افراد شرور		
۵	مخالفت با نحوه برخورد پلیس	ایجاد هراس عمومی ^{۵۲}	منفی
۶	آزادشدن اراذل بعد از دستگیری		
۷	آزادشدن اراذل با رشوه		
۸	بدترشدن وضعیت پس از طرح		
۹	ترک محله توسط ساکنان		
۱۰	trs مردم محله از اراذل	trs از قربانی شدن مجدد و مضاعف ^{۵۳}	منفی
۱۱	آزار مردم پس از آزادی اراذل و اوپاش		
۱۲	انتقام‌جویی اراذل و اوپاش از شاکیان		
۱۳	تأثیر معکوس طرح	گسترش و بزرگ شدن دایره جرم ^{۵۴}	منفی
۱۴	همکاری برخی عوامل پلیس با اراذل		
۱۵	بازگشت به وضع سابق به علت عدم تداوم طرح		
۱۶	جري شدن دستگیرشدگان		
۱۷	واکنش غیرمؤثر پلیس در موقع عادی		
۱۸	عدم دستگیری افراد اصلی		
۱۹	قهرمان شدن دستگیرشدگان	سازمان یافتنگی مجرمان	منفی
۲۰	آزادشدن اراذل به واسطه رابطه‌های خویشاوندی		

⁵² Moral Panic⁵³ Fear Of revictimization⁵⁴ Deviance Amplification

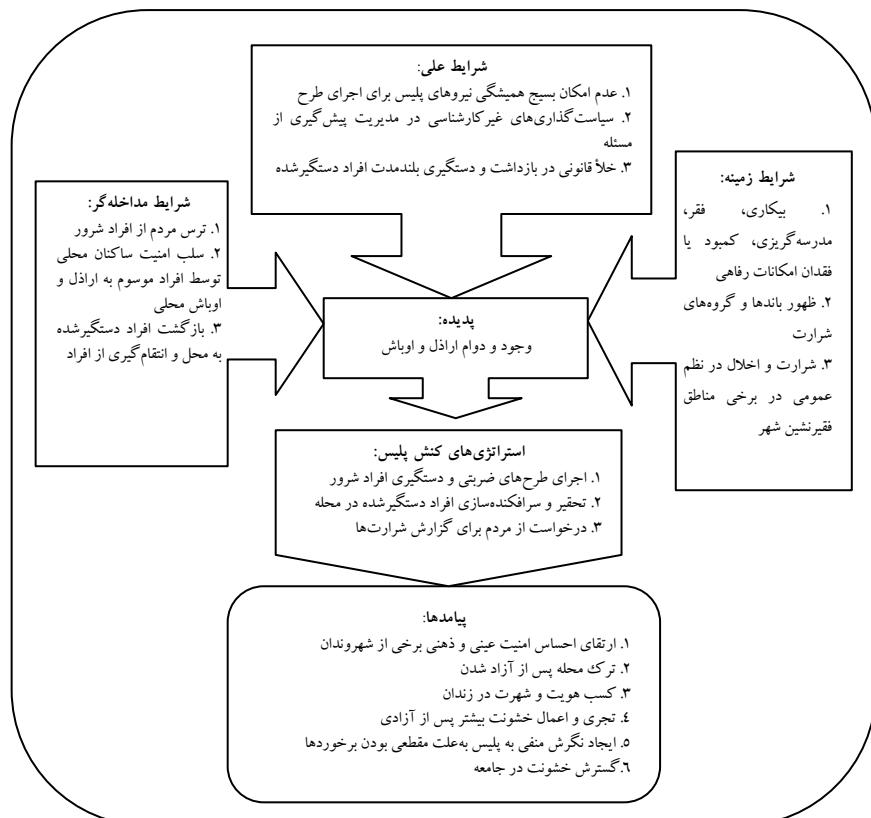
۲۱	شکل‌گیری همبستگی درونی میان اراذل	
۲۲	تأثیر منفی زندان بر دستگیرشدگان	

تدوین مدل پارادایمی

در این بخش با توجه به مقوله‌های به دست آمده در بخش قبل و با توجه به مدل پارادایمی پیشنهادی کردن و اشتراوس (۲۰۰۸) کدگذاری محوری انجام شده است. در روش نظریه

مبنا برای مدل پارادایمی به این شکل تدوین می‌شود:

مدل ۱. مدل پارادایمی در که پیامدهای مبارزه با اراذل و اویاش در طرح ارتقای امنیت اجتماعی



روایت: داستان اراذل و اوپاش و پیامدهای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در این زمینه مسئله جرم و بزهکاری در محله‌های فقیرنشین شهری پدیده‌ای آشنا در تمام شهرهای بزرگ است. این پدیده در ایران با خردفرهنگ "لاتی" پیوند خورده و شکل ویژه‌ای از جرم گروهی را به وجود آورده است. در سال‌های اخیر به تدریج عبارت "اراذل و اوپاش" برای توصیف این گروه‌ها برساخت شده است. این مفهوم معمولاً برای کسانی به کار می‌رود که سابقه طولانی شرارت در منطقه دارند و اعمال خشونت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رفتاری آن هاست. عبارت اراذل و اوپاش بیشتر مفهومی عرفی و کوچه‌بازاری در فرهنگ ایرانی است و برای افرادی به کار می‌رود که به طور دسته‌جمعی با رفتارهای ناهنجار مانند مزاحمت نوامیس، سروصدایی‌های ناهنجار، تجاوز به عنف، ولگردی، جرایم مواد مخدر و... آسایش و امنیت محله را سلب می‌کنند. با آغاز طرح ارتقای امنیت اجتماعی توجه خاصی به این گروه‌ها شد و پلیس در شهرهای مختلف با اجرای طرح‌های ضربتی به برخورد با آن‌ها پرداخت. اجرای این طرح با حاشیه‌های فراوانی نیز همراه بود. مسئله تحیر و چرخاندن افراد دستگیرشده در محله برای شکستن هیمنه آنان از جمله مواردی بود که موافقت‌ها و مخالفت‌های زیادی ایجاد کرد. بسیاری از ساکنان محلی از این نحوه اجرای طرح راضی بوده و تحیر دستگیرشده‌گان را اقدام مناسبی از سوی پلیس ارزیابی می‌کنند. اما در مورد میزان موفقیت این طرح در کاهش نزاع‌های گروه‌های شرور اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی اثر این طرح را در کاهش نزاع‌های خیابانی و چاقوکشی مثبت ارزیابی می‌کنند و به طور کلی معتقدند بعد از اجرای طرح میزان فعالیت گروه‌های شرور به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. البته برخی دیگر از ساکنان محلی معتقدند تعداد زیادی از افراد دستگیرشده پس از مدتی آزاد می‌شوند و پس از بازگشت به محله باشد بیشتری به شرارت می‌پردازنند. کارشناسان حقوقی، فقدان آمارهای قابل اعتماد در مورد میزان جرم و جنایت را مانع مهمی برای ارزیابی موفقیت طرح می‌دانند. برخی کارشناسان هم عقیده دارند که طرح مبارزه با اراذل و اوپاش حتی اگر توانسته باشد احساس کاهش جرم را در بین ساکنان ایجاد کند، به موفقیت بزرگی دست پیدا کرده است. امری که مسئولان نیروی انتظامی بر آن تأکید دارند و معتقدند اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی باعث کاهش ترس شهروندان از افراد شرور و افزایش احساس امنیت در آن‌ها شده است. اما باید توجه داشت که اگر اقدامات ضربتی پلیس در کوتاه‌مدت باعث پاکسازی محل و

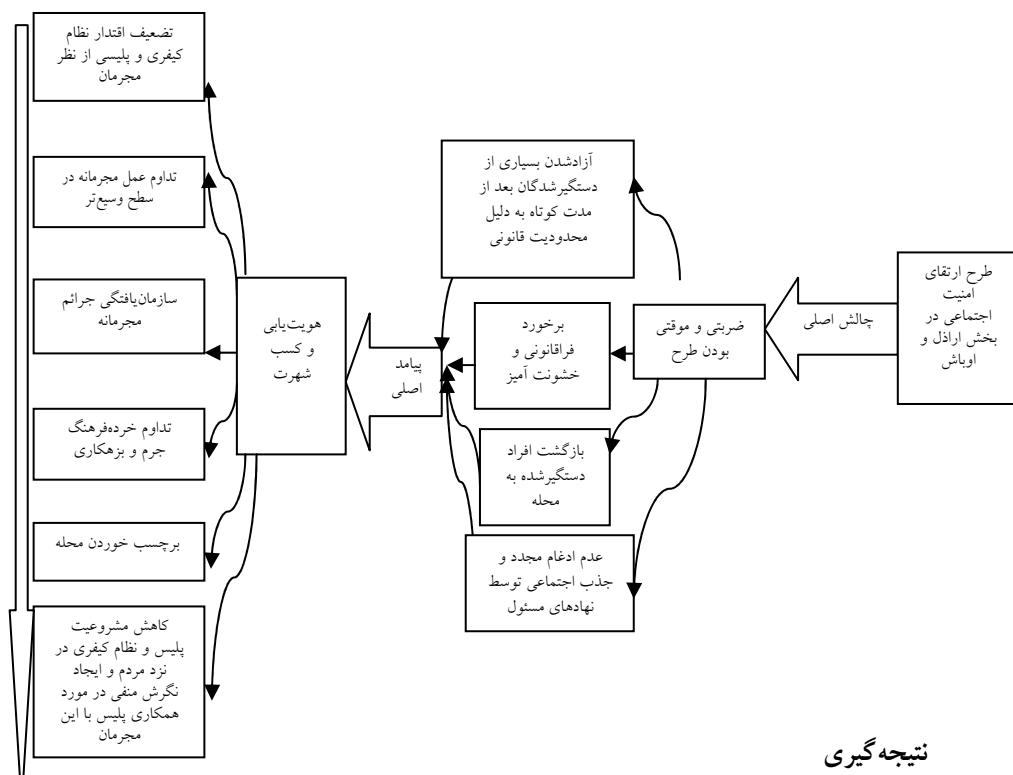
افزایش رضایت شهروندان شده، در بلندمدت و به سبب بازگشت افراد به محله وضعیت مجدداً برای ساکنان ناگوار شده است. به طور کلی، در تحلیل این طرح می‌توان گفت مقوله اصلی عدم تداوم و مقطعي انجام شدن طرح است. در واقع بسياری از موارد بالا و مقوله‌های دیگر را می‌توان براساس همین مؤلفه توضیح داد. از یک سو پلیس با محدودیت امکانات و منابع روبرو است و نمی‌تواند به طور دائم نیروهای خود را در این بخش استفاده کند. لذا مجبور است با اجرای طرح‌های ضربتی به یکباره اقدام به بازداشت و جمع آوری این افراد کند. از سوی دیگر، این افراد پس از مدت کوتاهی از زندان آزاد می‌شوند زیرا قاضی مستندات مشخصی برای صدور حکم این افراد ندارد. باید به این نکته اشاره کرد که در قانون مجازات اسلامی، هیچ ماده قانونی برای افرادی که به صورت گروهی به این قبیل جرایم می‌پردازنند وجود ندارد. این مسئله عملایی از مهم ترین چالش‌های طرح بدل شده است. افراد بازداشت‌شده معمولاً شاکیان خصوصی ندارند و در قالب طرح ارتقای امنیت به طور دسته جمعی بازداشت شده‌اند. از سوی دیگر، ترس مردم محلی از بازگشت این افراد سبب می‌شود بسیاری جرئت شکایت کردن از این افراد را نداشته باشند. افراد دستگیرشده در زندان مشهور می‌شوند و هویت می‌یابند. این افراد پس از آزادی دست به اعمال خشونت‌های گسترده‌تری می‌زنند. در واقع آن‌ها برای اینکه نشان دهنده دستگیری و زندان آن‌ها را نترسانده است به اقداماتی دست می‌زنند که شاید قبل از زندان مرتکب نمی‌شدند. البته در مواردی هم افراد دستگیرشده محله را برای همیشه ترک می‌کنند. ولی این به معنای خالی شدن محله از افراد شرور نیست. اقدامات ضربتی تنها در مقاطعی میزان تظاهر بیرونی این شرارت‌ها را کم می‌کند و پس از مدتی وضعیت به حالتی نزدیک به وضعیت اولیه برمی‌گردد. در واقع پیش‌گیری از جرم را باید فرآیندی طولانی دانست که طرح ارتقای امنیت اجتماعی صرفاً یک مقطع خاص آن است. از یک طرف، وضعیت زیرساختی و فرهنگی محله امکان پرورش افراد شرور را مهیا می‌کند و از طرف دیگر هیچ سازوکاری برای بازگرداندن این افراد به زندگی طبیعی وجود ندارد.

به طور کلی، می‌توان گفت مهم‌ترین چالش‌های طرح ارتقای امنیت اجتماعی در مبارزه با اراذل و اوباش ضربتی و موقت بودن طرح است. علاوه بر این، موانع قانونی در برخورد با دستگیرشده‌گان که منجر به آزادی زودهنگام و بازگشت آن‌ها به محله می‌شود و از سوی دیگر

فراهرم بودن زمینه‌های زیرساختی محله برای پرورش افراد شرور منجر به ترس افراد محلی از شکایت است.

مهم‌ترین پیامدهای این طرح نیز کسب هویت و شهرت در زندان و شکل‌گیری طبقه اجتماعی کجرو، تجربی و اعمال خشونت بیشتر پس از آزادی، ایجاد نگرش منفی به پلیس به علت مقطعي بودن برخوردها و گسترش خشونت در جامعه است.

۲. مدل نظری مربوط به چالش‌ها و پیامدهای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در بخش ارادل و اوپاش



مسئله امنیت یکی از مهم‌ترین مسائل نظام‌های اجتماعی خصوصاً در دوران جدید است. مبحث پیش‌گیری از جرم با توجه به تعاریف مختلف آن معمولاً گسترده‌ای وسیع دارد و بسیاری از نهادها و سازمان‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد. البته مبارزه با جرم و پیش‌گیری از آن از این جهت با یکدیگر ارتباط دارند که تصور می‌شود اولی خود عاملی برای تحقق دومی است. در ایران، بر اساس قانون هم مبارزه و هم پیش‌گیری از جرم به نهادهای انتظامی و قضایی واگذار شده است. لذا به نظر می‌رسد تأکید اصلی بر بازدارندگی و مجازات و تأثیر آن بر کاهش جرم

باشد. سیاست اصلی دیدگاه بازدارندگی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه جرم است. این موضوع سبب نادیده گرفته شدن اهمیت رویکردهای چندنهادی در بحث پیش‌گیری شده است. شاید یکی از مهم‌ترین مسائلی که در حوزه مبارزه با جرم و پیش‌گیری از جرم با آن مواجه هستیم، همین نگاه محدود به پیش‌گیری از جرم باشد که مانع اجرای طرح‌های پیش‌گیری اجتماع‌محور، قربانی‌محور و محیط‌محور است.

در ایران به نظر می‌رسد به جای چنین رویکردهایی، تأکید اصلی بر پیش‌گیری‌های انتظامی است. به عبارت دیگر، در ایران پیش‌گیری عمدهاً بعد از وقوع جرم است و پیش‌گیری‌های اولیه که ناظر به مرحله تکوین جرم باشد مورد تأکید نیست.

در زمینه پیش‌گیری و مبارزه با پدیده اراذل و اویاش باید گفت ایجاد و تداوم این پدیده در جامعه به عوامل متعددی بستگی دارد. این عوامل از جامعه‌پذیری در سنین اولیه آغاز می‌شود و تا بازپذیری مجرمان به آغوش جامعه ادامه می‌یابد. شاید بتوان گفت مسئله اصلی طرح ارتقای امنیت اجتماعی این است که در غیاب بسیاری از مؤلفه‌های لازم در طول این فرایند، صرفاً به اقدامی مقطعي یعنی عملیات ضربتی و دستگیری افراد بسته شده است. در شرایطی که ویژگی‌های خاص اجتماعی و فرهنگی و شرایط محیطی و کالبدی فرسته‌های لازم را برای پرورش و تداوم پدیده اراذل و اویاش فراهم می‌کند، اتکای صرف به برخورد انتظامی نمی‌تواند راهگشای کاهش جرم در این حوزه باشد. از طرف دیگر وقتی شرایط لازم برای بازگشت افراد دستگیرشده به وضعیت زندگی عادی و همنوا وجود ندارد، عملیات انتظامی تنها می‌تواند وقفه‌ای در جریان جرم و کجری ایجاد کند. اگر عدم امکان بازداشت و نگهداری مجرمان را - به علیه که در بالا به تفصیل بیان شد - در نظر داشته باشیم خواهیم دید که عملیات پلیسی تأثیر چندانی در کاهش میزان جرائم نداشته‌اند.

در واقع به جای خصلت بازپذیری، این شیوه از اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی ویژگی‌های طرد کننده دارد. این طرد هم می‌تواند طرد عینی افراد از فضاهای عمومی شهری باشد و هم باعث از میان رفتن حس تعلق آنها به جامعه شود. لذا شاید بتوان مسئله طرد اجتماعی را مهم‌ترین پیامد منفی طرح ارتقای امنیت اجتماعی در ایران دانست که به جای افزایش احتمال همنوایی، باعث شکل‌گیری خرد و فرهنگ‌های مقاومت و شکل‌گیری ناهنجاری به عنوان نماد مقاومت می‌شود.

ورود بسیاری از سازمان‌ها و نهادها به بحث مبارزه با اراذل و اوپاش می‌تواند زمینه‌های تداوم و رشد خردمندانگری موافق شرارت را کاهش دهد. ارتقای منابع امکانات زیرساختی محله‌های محروم و تغییر طراحی محیطی مکان‌های آلوده از جمله اقدامات غیرپلیسی است که می‌تواند به کاهش جرم در مناطق محروم و آلوده کمک کند.

در واقع لازم است تا از یک سو نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی وارد حوزه پیش‌گیری از جرم شوند و از سوی دیگر نهادهای انتظامی نیز به سمت رویکردهای جامعه محور و نزدیک شدن به مردم حرکت کنند. امروزه لزوم مشارکت مردم برای موفقیت طرح‌های مختلف دولتی برای همگان روشن شده است. احترام به دیدگاه شهروندان و ایجاد بسترها لازم برای تقویت همکاری مردم و نهادهای غیردولتی با پلیس می‌تواند در افزایش امنیت اجتماعی کمک مؤثری باشد. از این نظر ایجاد اعتماد در شهروندان به پلیس لازمه مشارکت مردمی و موفقیت اقدامات انتظامی است. در حالی که مبارزه قاطع با جرم یکی از مؤلفه‌های اصلی افزایش اعتماد مردم به پلیس است، استفاده از شیوه‌هایی که هراس عمومی به وجود آورد و در عمل تأثیر چندانی هم بر کاهش اراذل و اوپاش نداشته باشد، از اعتماد مردم به پلیس خواهد کاست. در واقع، لازمه موفقیت پلیس ترس مجرمان از پلیس و اعتماد اکثر مردم به نیروهای انتظامی است. به نظر می‌رسد نیروی انتظامی در طرح ارتقای امنیت اجتماعی نتوانسته است به این دو مسئله جامعه عمل بپوشاند. از طرفی آزادی اراذل و اوپاش شائبه عدم توانایی پلیس و نهاد قضایی را برای مجرمان به وجود آورده و آن‌ها را گستاخ‌تر کرده است. از طرف دیگر آزادی زودهنگام این افراد شائبه همکاری و مماشات با این افراد را از سوی پلیس به وجود آورده و باعث ایجاد نارضایتی در عموم مردم و کاهش اعتماد به پلیس شده است. پلیسی که مجرمان از آن ترسند و در عوض مردم عادی شهر به مأموران آن بدین باشند، پلیس مقتدری نیست. لذا به نظر می‌رسد تجدیدنظر اساسی در سیاست‌گذاری برای اقدامات مبارزه با جرم و پیش‌گیری از جرم برای کاهش پیامدهای منفی طرح‌های کنونی ضروری است. طرح این مسائل به معنای نادیده گرفتن پیامدهای مثبت طرح‌های پلیسی نیست، اما به نظر می‌رسد بهایی که برای اجرای این طرح‌ها پرداختهایم در بلندمدت جبران ناپذیر باشد. در پایان به منظور مدیریت پیامدها (تقویت پیامدهای مثبت و کاهش پیامدهای منفی) و برنامه‌ریزی بهتر و کارآمدتر در پیش‌گیری و مبارزه با پدیده اراذل و اوپاش پیشنهاداتی ارائه می‌گردد.

نظرارت مستمر و دائمی و رها نکردن حوزه زندگی و فعالیت این نوع افراد (صادقی و کریمی، ۱۳۸۸)؛ شناسایی افراد مجرم و قراردادن آن‌ها تحت نظرارت و حتی استفاده از وسایل الکترونیکی برای کنترل آن‌ها؛ تقویت نظرارت محله‌ای و مشارکت‌های اجتماعی و مردمی هم برای تقویت کنترل غیررسمی و هم برای ایجاد تسهیلات لازم برای ادغام مجدد این افراد در اجتماعات محلی؛ تقویت و راهاندازی گروه‌های مردم‌نهاد برای مبارزه با جرم و پیش‌گیری از آن؛ توانمندسازی و تقویت محله از حیث سامان‌بخشی به اوقات فراغت کودکان و نوجوانانی که به دلیل مشکلات خانوادگی (پایگاه اقتصادی و اجتماعی، بالا بودن بعد خانوار و متراژ پایین مسکن) از بسیاری امکانات رفاهی و مکان مطالعه بی‌بهره‌اند؛ از بین بردن فضاهای بی‌دفاع شهری با استفاده از طراحی شهری؛ برپایی مراکز آموزشی، فرهنگی، ورزشی، هنری و دینی با حمایت سازمان‌های دولتی در محله‌هایی که این افراد زندگی می‌کنند و ممکن است الگوی رفتاری در بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکان و نوجوانان شوند؛ تقویت شوراهای محلی و مساجد محلی به منظور ایجاد زمینه‌های جذب مجدد این افراد؛ استقرار بعضی از فعالیت‌های اداری در محل که فضاهای محلی را تلطیف کند، مانند احداث درمانگاه و...؛ همکاری نهادهای مختلف از جمله، شهرداری، نیروی انتظامی، کمیته امداد امام خمینی، بهزیستی، صدا و سیما؛ حمایت از خانواده‌هایی که بچه‌های خطرپذیر دارند و شناسایی بچه‌های خطرپذیر از سن مدرسه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها؛ گشتهای مستمر پلیس در محله.

منابع

بکر، هنک و فرنک ونکلی (۱۳۸۸) راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: جامعه‌شناسان.

جوانمرد، بهروز (۱۳۸۸) «تعامل سازمان پلیس و دستگاه قضایی ایران در زمینه پیش‌گیری از جرایم خرد»، در مجموعه مقالات پیش‌گیری از جرم، رویکرد چندنهادی، محمد فرجیها و فیروز محمودی جانکی، اولین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، تهران: چاپخانه معاونت آموزش ناجا.

صادقی فسایی، سهیلا و شیوا کریمی (۱۳۸۸) «جرائم‌شناسی خود و دیگری: دیدگاه‌های نظری کاهش جرم با تأکید بر نقش خانواده»، در مجموعه مقالات پیش‌گیری از جرم با رویکرد جامعه‌شناسی، اولین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، تهران: چاپخانه معاونت آموزش ناجا.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۵) آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات، چاپ دوم، تهران: آن.

غلامی، حسین (۱۳۸۵) عدالت ترمیمی، تهران: سمت.

فرجیها، محمد (۱۳۸۷) «ارزیابی مداخله‌های پیش‌گیرانه پلیس: چالش‌های روش‌شناسی و سیاست‌گذاری»، در مجموعه مقالات پلیس و پیش‌گیری از جرم، زیر نظر علی‌حسین نجفی ابراندآبادی، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا.

Becker, H. (1963) *Outsiders*, New York: Free Press.

Corbin, J. and A. Strauss. (2008) *Basic of Qualitative Research: Third Edition*, London: Sage Publication Inc.

Hirschi, Travis (1989) 'Exploring Alternatives to Integrated Theory', in Steven E. Messner, Marvin D. Krohn, and Allen E. Liska (eds) *Theoretical Integration in the Study of Deviance and Crime: Problems and Perspectives*, pp. 37–49. Albany, NY: State University of New York Press.

Reiss, A. Jr. and Ja. Roth (eds) (1993) *Understanding and Preventing Violence*, Wshengton, DC: National Academy Press.

Sherman, Lawrence. W., Daivid P. Farington, Brandon C. Welsh, Doris Layton Mackenzie (2006) *Evidence-Based Crime Prevention: Revised Edition*, London and New York: Rutledge Press. Vanclay, F. (2003) "International Principles for Social Impact Assessment", *Impact Assessment and Project Appraisal*, 21 (1): 5-11.

Wilkins, Leslie T. (1964) *Social Deviance: Social Policy, Action and Research*, London: Tavistock.